



عادی سازی

● سید محسن حسینی (طاها)

انگیزه پیشرفت و بهبود را از من بگیرد. چون انسان برای آن که پیشرفت کند باید هنوز به افراد بالاتر از خود بنگرد. حقیقت این است که مهم ترین هدف عادی سازی همان بالا بردن انگیزه معلولان برای پیشرفت های فیزیکی است.

دومین هدف تقویت روحیه معلولان است. می دانیم که معلولیت فیزیکی نقش مهمی در اختلال های روحی و روانی دارند و در محیطی که همه افراد معلول باشند؛ تعاملات روحی می تواند باعث افزایش امواج منفی روانی باشد. این جاست که ما معتقدیم باید دیوار عزت و تنهایی دانش آموزان معلول شکسته شده و آنها نیز در میان افراد عادی تحصیل کنند.

باید به این نکته توجه داشت که مهم ترین لازمه عادی سازی حمایت خانواده دانش آموزان معلول از آنهاست

اما باید پذیرفت که اجرای این امر به آسانی گفتار نیست و عادی سازی فرآیندی است که راهکارهای خاص خود را می طلبد و عادی سازی از دیدگاه ما به این معنی نیست که نظام آموزش و پرورش استثنایی یکباره برچیده شود و همه دانش آموزان معلول بدون کوچکترین امتیازی در مدارس عادی تحصیل کنند. ما می گوئیم اولاً حلقه پذیرش مدارس استثنایی باید روز به روز تنگ تر شود و تنها افرادی را پذیرا باشند که تحصیلشان در مدارس عادی به طور جدی امکان پذیر نیست. ثانیاً در مدارس عادی کارشناسان آموزش و پرورش استثنایی حضور داشته باشند؛ تا به دانش آموزان معلول و معلمان آنها در امر آموزش یاری دهند.

باید به این نکته توجه داشت که مهم ترین لازمه عادی سازی حمایت خانواده دانش آموزان معلول از آنهاست. خانواده است که می تواند دانش آموز را در جریان انطباق با محیط مساعدت نماید

برای آن که یک تجربه وارد سیستم عملی شود و در سایه تعمیم به عنوان راهکار مطرح گردد؛ لازم است آن را مورد نقد و بررسی جدی قرار دهیم و مواردی را که باعث تقویت امکان تعمیم آن می شود بسنجیم و در فراهم سازی بستر مناسب برای رشد آنها بکوشیم.

یکی از مباحثی که امروزه در سازمان آموزش کشور با آن روبه رو هستیم؛ سیاست تحصیل دانش آموزان معلول در مدارس عادی است که متخصصان آن را عادی سازی می نامند. به عنوان کسی که با وجود معلولیت شدید حرکتی توانسته دوران تحصیل خود را در مدارس عادی پشت سر بگذارد و وارد دانشگاه شود، به جزات می گوئیم که رسیدن به این مطلوب امری دشوار و طاقت فرسا بود. هم برای من، هم برای پدر و مادرم (که از حامیان من و در حقیقت به نوعی بنیانگذاران تفکر عادی سازی بودند) و هم برای نظام آموزش که در دوران تحصیل با ایجاد تعامل با من می پرداخت. اما یک سری دلایل اجتماعی وجود دارد که با وجود تمام این مشکلات مرا بر آن می دارد تا از مدافعان این سیاست در جامعه خود باشم.

توجه به این نکته در ابتدای بحث ضروری است که اگر پدر و مادرم به تحصیل من در مدارس عادی اصرار نمی ورزیدند و در تحصیل من خللی وارد نمی شد و در نهایت موفق به اتمام تحصیل می شدم. دغدغه و استرس های ایشان هم در دوران تحصیل بسیار کمتر بود و چون به هر حال امکانات مدارس استثنایی هر چند محدود می توانست تا حدی بار را از دوش پدر و مادرم بردارد، اما اساس بحث پاسخ به این سوال است که چرا پدر و مادر من راه سخت تر را بر گزیدند و هدفشان از این انتخاب چه بود؟

جامعه شناسان بر این باورند که تاثیر محیط بر فرد، امری غیر قابل انکار است. یعنی هر اندازه به اصالت فرد معتقد باشیم؛ باز هم نمی توان فردی را یافت که از محیط خود تاثیر نگیرد. پدر و مادرم نیز با درک این اصل بود که اجازه ندادند فرزندشان در میان افراد معلول تحصیل کند. چون نمی خواستند مشاهده ناتوانی های آنها

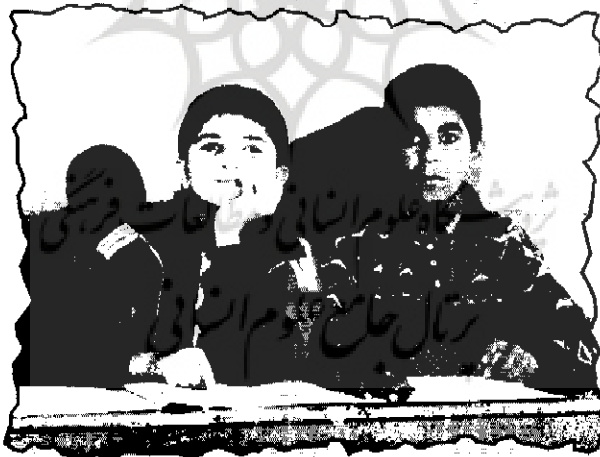


حقیقت این است که مهم‌ترین هدف عادی سازی همان بالا بردن انگیزه معلولان برای پیشرفت‌های فیزیکی است

شوند و بدانند با یک فرد معلول چگونه رفتار کنند.
به عنوان مثال اگر در یک کلاس دانش آموزی با کمک صندلی
چرخ دار رفت و آمد کند و دانش آموزان دیگر هر کدام به نوبه
خود او را در امر تردد یاری دهند، با این وسیله آشنایی شوند و اگر
روزی در محیط‌های دیگر به معلولی سوار بر صندلی چرخ دار
بر خورد کردند، حیرت زده و دستپاچه عمل نمی‌کنند.
در پایان باید گفت عادی سازی امری است چند جانبه که با
همکاری مدارس، خانواده‌ها و دانش آموزان امکان پذیر است.

و این باور را در وی تقویت کند که می‌تواند در بین دانش آموزان
عادی تحصیل کند. بارها پیش می‌آید که من از مدارس عادی به
علت مشکلاتی که وجود داشت منزجر می‌شدم. اما پدر و مادرم
با القای این تفکر که مهم این است که انسان بتواند بر مشکلات
پیروز شود، نیروی تازه‌ای برای مقابله با مشکلات به من می‌دادند.
در حقیقت خانواده نیروی کمکی دانش آموز معلول برای
تحصیل در مدرسه عادی است. باید دید که چند درصد از
خانواده‌هایی که دانش آموزان معلول دارند حاضرند مانند خانواده
من سختی‌ها را به جان بخرند و چیزی بالغ بر یک دهه وقت و
انرژی صرف پروژه عادی سازی کنند.

طرف دیگر سیاست عادی سازی، سایر دانش آموزان یک
مدرسه هستند که باید از سوی اولیای مدرسه به همکاری با
دانش آموزان معلول واداشته شوند. چون به هر حال آنها در آینده
وارد جامعه خواهند شد که خواه ناخواه با افراد معلول به ایجاد
تعامل خواهند پرداخت، پس بهتر است از کودکی با معلولیت آشنا



عکس از شراره شبلی

راهنمای اشتراک

نشریه تعلیم و تربیت استثنایی نشریه‌ای علمی، آموزشی و فرهنگی است که هر ماه از سوی سازمان آموزش و پرورش استثنایی منتشر می‌شود. علاقه‌مندانی که مایل به اشتراک نشریه می‌باشند می‌توانند حق اشتراک خود را مطابق جدول زیر به حساب شماره ۲۷۸/۰۱ بانک مرکزی ایران شعبه خزانه‌دای کل به نام سازمان آموزش و پرورش استثنایی واریز و اصل فیش بانکی را به همراه برگه تکمیل شده مشخصات به نشانی:

تهران، خیابان انقلاب، خیابان برادران شهید مظفر (صبای شمالی)، پلاک ۳۰، سازمان آموزش و پرورش استثنایی، کد پستی: ۱۴۱۶۹۳۱۱۳۷ و یا صندوق پستی ۳۳۳۴-۱۴۱۵۵ دفتر نشریه تعلیم و تربیت استثنایی ارسال کنند.

نوع اشتراک	یک سال (با احتساب هزینه پستی)
افراد، مؤسسه‌ها، اداره‌ها و کتابخانه‌ها	۶۰/۰۰۰ ریال

برگه مشخصات

اشخاص حقیقی

نام و نام خانوادگی: شغل:

تحصیلات: رشته تحصیلی:

مؤسسه‌ها / اداره‌ها / کتابخانه‌ها

نام مؤسسه: نام و نام خانوادگی مدیر:

نشانی کامل پستی

استان: شهرستان: خیابان:

کوچه: پلاک: کد پستی:

تلفن: دور نگار:

فیش بانکی: تاریخ:

به مبلغ:

در صورت نیاز به کسب اطلاعات بیشتر می‌توانید با شماره تلفن ۶۶۴۹۲۳۲۸-۰۲۱ دفتر نشریه تماس بگیرید.

